

## مقایسه دیدگاه سنایی و مولوی درباره زن

### چکیده

جایگاه و وضعیت زنان در هر جامعه‌ای در ارتباط با نگرش زمانه و افراد نسبت به زنان است. در جامعه ایران جایگاه زنان همواره دچار فراز و فرودهایی شده است. در این میان آثار شعرا می‌توان آینه‌ای برای شناخت وضعیت زنان باشد. جهان‌بینی هر شاعر، نویسنده یا اندیشمند متأثر از شرایط فکری، اجتماعی و حافظه‌ی فرهنگی زمان و مکانی است که در آن زندگی می‌کند. سنایی و مولوی از شاعران برجسته ایران هستند که آثارشان بازتابی از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره زیست آنهاست. مسئله‌ای که مطرح است تحول جایگاه زن در جامعه از دوره سنایی تا مولوی است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از دوره سنایی تا مولانا، تحول اجتماعی و فرهنگی منحصر به فردی روی داد که به بهبود جایگاه زنان منجر شد. همین مسئله در تصویرپردازی شخصیت زنان تأثیرگذار بوده است. سنایی عمدتاً نگاهی منفی و منتقدانه به زن دارد و به ندرت در جایگاه مادر و در خدمت نگرش دینی به زن اهمیت می‌دهد؛ اما مولانا زن را جلوه‌ای از جمال الهی می‌داند. زن در شعر مولانا، روح و زمین و نفس است و مکمل آفرینش که چهره‌ی زن را نسبت به شعر سنایی متمایز می‌کند.

### اهداف پژوهش

۱. تطبیق سیمای زن در اشعار سنایی و مولوی.

۲. واکاوی عوامل مؤثر در ترسیم سیمای زن در دوره سنایی و مولوی.

### سوالات پژوهش

۱. سیمای زن در اشعار سنایی و مولوی چه تفاوت‌هایی دارد؟

۲. کدام عوامل در ترسیم سیمای زن در دوره سنایی و مولوی نقش داشت؟

**واژگان کلیدی:** سنایی، مولوی، سیمای زن، مطالعات تطبیقی، عرفان اسلامی.

## مقدمه

مسأله زن، شخصیت، جایگاه و موقعیت او در خانواده و جامعه از جمله مسائلی است که همانند سایر موضوعات فرهنگی، اجتماعی در آیین‌های ادبیات و فرهنگ ملت‌ها انعکاس پیدا می‌کند. این مسئله نگرش فردی و اجتماعی پدید آورندگان آثار و جامعه را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد آن‌ها با چه دیدی به مقوله‌ی زن می‌نگریستند. آیا از دید آنان زن با مرد حقوق یکسانی دارد؟ و یا اینکه زن موجودی است طفیلی و دست دوم و وابسته به مرد، که هیچ استقلال رأی و شخصیت ندارد؟ این سؤال و سؤالات دیگر، از مجهولاتی است که در این مقاله تلاش می‌شود به آنها پاسخ داده شود، تا جایگاه زن در جامعه مورد مطالعه معلوم و مشخص، و به خوانندگان و طالبان ارائه گردد. بدین لحاظ یکی از راه‌های دستیابی به نحوه‌ی نگرش جوامع نسبت به زن و بررسی شخصیت و جایگاه او در میان آنان، مطالعه و بررسی آثار و اشعار ادبی آن جوامع است که در بررسی آن اشعار و آثار باید به زمینه‌ها و اوضاع جامعه آن زمان توجه کرد. در این مقاله جایگاه زن در عرفان و تصوف اسلامی با تکیه بر اشعار «سنایی» و «مولوی» و مدّ نظر قرار دادن اوضاع و احوال جامعه‌ی آن زمان، و با استفاده از متون مختلف مرتبط به این موضوع، تحلیل و بررسی می‌شود. در اکثر ادیان الهی، آفرینش زن و مرد همزمان بوده است و خداوند آن‌ها را خلق کرد و از امکانات مساوی برخوردار نمود. خداوند آنها را مکمل وجودی یکدیگر قرار داد. با این حال بررسی سیمای زن در تاریخ ایران حاکی از فراز و فرود جایگاه زن در جامعه و وجود نابرابری‌هاست. یکی از منابعی که می‌توانند آیین‌های برای بازشناسی جایگاه زن در جامعه باشند آثار ادبی هستند که هر یک مجموعه‌ای از باید و نبایدهای دوره خود را منعکس ساخته‌اند. واکاوی این آثار می‌تواند چشم‌انداز روشنی از وضعیت زن در دوره‌های مختلف تاریخی ارائه دهد.

درباره پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است. با این حال، درباره زن در آثار شاعرانی چون مولوی مقالات متعددی نوشته شده است. مقاله‌ای با عنوان «زن در مثنوی مولوی»، به قلم نصرالله امامی به رشته تحریر در آمده است. از نظر نگارنده زن در مثنوی مولوی از نظر جایگاه تفاوتی با مرد ندارد. با این حال سیمای زن در سنت ادب فارسی چندان مقبول و مطلوب نیست و تصویری که مولوی از زن در تمثیل‌های خود ارائه می‌دهد برخاسته از توصیفات نمادین منفی است. در تصور او زن مظهر نفس، حرص، دارای صفات حیوانی و نفسانی، ظاهرنگر و دارای قضاوت و داوری سطحی است با این حال این مطالب اندیشه شخص مولانا نیست بلکه بازتابی از تصورات مردم روزگار اوست (امامی، ۱۳۸۸: ۲۷). مقاله‌ای دیگر با عنوان «تجلی زن در سه دفتر نخست مثنوی معنوی»، توسط ماندانا علیمی نوشته شده است. نگارنده بر آن است که آنچه مولانا در آثار درباره زن گفته است در حقیقت حاصل تفکرات و بینش‌های موجود در جامعه عصر خود است. مولانا شاعری است که شعرهای اجتماعی می‌سراید و رابطه‌ای تنگاتنگ با محیط پیرامون خود دارد، بنابراین نمی‌تواند به باورها و نظراتی که در جامعه وجود دارد، توجهی نکند و از آن‌ها متأثر نباشد (علیمی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای در صدد بررسی تطبیقی سیمای زن در آثار شاعرانی چون سنایی و مولوی است و بر آن است تا با این بررسی زوایای پنهان درباره سیمای زن در دوره اسلامی را مشخص سازد.

## نتیجه‌گیری

عارفان به مقوله‌ی زن، نگاهی متناقض و قابل توجه دارند؛ در یک سو، زن نماد ظلمت و تمایلات نفسانی و مظهر مکر و پستی است؛ اما در برخی از متون صوفیه به عنوان تجلی نور حق و مظهر رحمانیت و الوهیت است. اشعار سنایی بیشتر بر مبنای نگرش منفی به زن شکل گرفته است و زن، نماد دنیا و پستی و تیرگی است؛ برخلاف مولانا که هر جا از زن سخن به میان آورده، نمادی از نور الهی و تجلی است و اگر به جنبه‌های منفی نظر داشته، بلافاصله به نمادگرایی روی آورده و به تأویل و تفسیر پرداخته است. این مسئله نشان می‌دهد که زن در طول یک قرن با تحولی چشمگیر در متون عرفانی روبرو شده و از نگرش منفی به طرز چشمگیری کاسته شده است. در این میان نقش تفکرات و فرهنگ را نمی‌توان نادیده گرفت زیرا اندیشه این شاعران بر آیندی از اندیشه‌ها و باورهای موجود در جامعه است. در حقیقت همین مسئله سبب شده است تا در آثار مولوی با بازتابی متناقض از سیمای زن مواجه باشیم. زن از نظر مولوی در نمادهایی چون زمین، نفس، روح و جان و عشق الهی است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت با توجه به این که وجود انسان به طور کلی مجموعه‌ای از خیر و شر است، به موازات آن وجوهی نیز جمع می‌شود. البته نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که در جامعه ایران در قرن مورد نظر نگاه ایده‌آلی و مطلوبی نسبت به زن وجود ندارد. مقایسه دیدگاه سنایی و مولوی نسبت به زن نشان می‌دهد در آثار مولوی تا حدی از منفی‌گرایی موجود در آثار سنایی نسبت به زن کاسته شده است.

## منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۷۳)، ادیان جهان باستان، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات علمی و فرهنگی.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۸)، «زن در مثنوی مولوی»، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۱، صص ۲۷-۳۴.
- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین (۱۳۸۷)، کلیات اوحدی مراغه‌ای، (دیوان، منطق العشاق، جام جم)، به کوشش و با مقدمه علی مرادی مراغه‌ای، تهران: اوحدی.
- بهاء ولد، محمد بن حسین (۱۳۵۲)، معارف، تهران: کتابخانه طهوری.
- تدین، مهدی (۱۳۸۴)، «تفسیر و تأویل نخستین داستان مثنوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۴۱، صص ۱-۴۳.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۶)، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح مدرس گیلانی، تهران، انتشارات اهورا، مهتاب.
- حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران (۱۳۶۹). دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی سینمایی، تهران: امیرکبیر.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، با کاروان حله، تهران: انتشارات علمی.

ستاری، جلال (۱۳۸۶)، مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، تهران: مرکز.

----- (۱۳۷۳)، سیمای زن در فرهنگ ایران، تهران: مرکز.

سبزواری، ملا هادی بن مهدی (۱۴۲۱ ه.ق)، شرح نبراس الیهدی - ارجوزه فی الفقه، قم: انتشارات بیدار.  
ستاری، جلال (۱۳۸۹)، عشق صوفیانه، تهران: نشر مرکز.

سعیدی، گل بابا (۱۳۸۷)، حجاب هستی، تألیف محیی‌الدین ابن عربی، تهران: زوار.

سنایی، غزنوی (۱۳۸۳)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲-۴، تهران: انتشارات فردوسی.

طغیانی، اسحاق (۱۳۷۱)، «سمبولیسم در کلام مولوی و تحلیل داستان شاه و کنیزک»، فصلنامه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ش ۸، صص ۵۱-۷۵.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ه.ق)، هدایه الأمه إلى احکام الاثمه - منتخب المسائل، ۸ جلد، تهران، مجمع البحوث الاسلامیه.

ملاحسن فیض کاشانی (۱۳۷۲)، کلیات اشعار مولانا فیض کاشانی، با مقدمه محمد علی صفیر، با تصحیح و مقابله محمد پیمان، تهران: سنائی.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، کلیات دیوان شمس، تصحیح فروزانفر، تهران: نگاه.

----- (۱۳۶۹)، فیه ما فیه، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

----- (۱۳۸۳)، مثنوی معنوی، تصحیح، مقدمه و کشف الابیات از قوام‌الدین خرمشاهی، تهران: دوستان.

----- (۱۳۹۱)، مجالس سبعة، تصحیح دکتر فریدون نافذ، تهران، نشر جامی

نخشبی، ضیاء‌الدین (۱۳۶۹)، سلک السلوک، تصحیح غلامعلی آریا، (بی‌جا)، کتابفروشی زوار.

نهج الفصاحه، (۱۳۸۵)، به کوشش علی شیروانی، قم: انتشارات دارالفکر.